

موقعیت کنونی جنبش کارگری ایران و سازمانیابی آن

مصاحبه جهان امروز با صلاح مازوجی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

جهان امروز: در کنگره هشتم حزب کمونیست ایران، قطعنامه‌ای تحت عنوان «موقعیت کنونی جنبش کارگری ایران و سازمانیابی آن» به تصویب رسید که در بیانیه سیاسی کنگره هم به جهت‌گیری عمومی آن اشاره شده است، در کنگره هم نمایندگان حول آن بحث‌های خلاقانه داشتند. اولین سؤال این است که حزب کمونیست ایران موقعیت کنونی جنبش کارگری را چگونه ارزیابی می‌کند؟

صلاح مازوجی: امروز همه بر سر این واقعیت توافق نظر دارند که شرایط سخت و دشوار زندگی و فلاکت اقتصادی‌ای که به طبقه کارگر ایران تحمیل شده است در چهار دهه گذشته بی‌سابقه بوده است. بیکاری میلیونی، تورم سرسام‌آور هر روزه توده بیشتری از کارگران را به زیر خط فقر می‌راند، خط فقری که با استانداردهای زندگی در ایران یعنی از زندگی و هستی ساقط شدن. این وضعیت صدها هزار خانواده کارگری را با مشکلات معیشتی و درمانی روبرو کرده است. اگر چه سهم طبقه کارگر در نظام سرمایه‌داری جز فقر و بی‌حقوقی و زندگی در حلبی‌آبادها چیز دیگری نبوده است، اما تحمیل اوضاع دهشاک کنونی به طبقه کارگر ایران تنها گوشه‌ای از پیامدهای سیاست‌های تعدیل اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران است که در دوره رفسنجانی به سیاست رسمی دولت تبدیل شد. حاصل این چرخش در سیاست‌های اقتصادی و پیروی از نئولیبرالیسم اقتصادی بمنظور توسعه اقتصاد کشور و برای ادغام هرچه بیشتر در بازار سرمایه جهانی که مانند همه جای دیگر دنیا با شرع روند خصوصی‌سازی صنایع و بیکارسازی گسترده کارگران توأم بود، نمی‌توانست عواقبی غیر از این داشته باشد.

محصول رواج سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال که از سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ که در انگلستان و آمریکا آغاز و در دوران نخست وزیری تاجر و ریاست جمهوری ریگان به اوج خود رسید و از آن بعنوان تعرضی ضد انقلابی به دستاوردهای طبقه کارگر یاد می‌شود، خصوصی‌سازی صنایع، آزاد گذاشتن بازار در تعیین سرنوشت خود و سلب حقوق اتحادیه‌های کارگری، زدن از خدمات اجتماعی و در یک کلام وخامت وضعیت اقتصادی طبقه کارگر و دیگر اقشار کم درآمد جامعه را بدنبال داشت. تجربه اتخاذ و

در پیش گرفتن سیاستهای اقتصادی نئولیبرالی از جانب دولت و بورژوازی در کشورهای آمریکای لایتین و کشورهای نظیر مصر و ترکیه هم غیر از به روز سیاه نشانیدن کارگران و تشدید فقر و محرومیت پیامد دیگری نداشته است. نئولیبرالیسم اقتصادی هر جا که به الگوی توسعه سرمایه‌داری تبدیل شده است، موانع رسمی و قانونی بر سر راه گردش کالا و سرمایه را برداشته و اقتصاد کشورها را تحت رهنمودهای مراکز مالی جهانی قرار داده است و قوانین کار و مناسبات کار و سرمایه را به نفع تشویق سرمایه‌گذاری تنظیم یا تغییر داده و سیاست تعدیل نیروی کار و بیکار سازی‌های گسترده را به اجرا در می‌آورد. در ایران هم اخراج‌های هر روزه کارگران و بیکاری میلیونی، خارج کردن کارگاه‌های کوچک از شمول قانون کار بمنظور سودآورتر شدن آنها برای صاحبان سرمایه و رواج دادن کار بر مبنای قراردادهای موقت که میلیون‌ها کارگر را به شرایط کار بردگی رانده است، از عوارض سیاستهای تعدیل اقتصادی رژیم اسلامی و بورژوازی ایران و پیروی از الگوی نئولیبرالیسم اقتصادی می‌باشد. تلاش‌های چند سال اخیر رژیم اسلامی و سرمایه‌داران ایران برای تغییر همین قانون کار ارتجاعی در جهت تحمیل بی‌حقوقی بیشتر به کارگران را هم در چهار چوب همین سیاست‌ها باید ارزیابی کرد، این تصادفی نیست که سرمایه‌داران و صاحبان صنایع که از حمایت بی‌چون و چرای دولت برخوردار هستند در جهت کسب سود بیشتر و تحمیل شرایط غیر انسانی‌تر به کارگران در زمینه پرداخت دستمزدها، اخراج و اجرای طرح بازخرید کارگران، اجرای قانون بازنشستگی قبل از موعد کارگران در مشاغل سخت و زیان‌آور و بسیاری زمینه‌های دیگر حتی خود را ملزم به رعایت قانون کار ارتجاعی فعلی نمی‌دانند. بازتاب و پیامدهای این سیاستها برای طبقه کارگر ایران که از حق اعتصاب و ایجاد تشکل طبقاتی خود برخوردار نیست و از فقدان تشکلهای طبقاتی و توده‌ای خود رنج می‌برد بسیار دهشتناک بوده است.

جهان امروز: تماس‌های رژیم جمهوری اسلامی با سازمان جهانی کار (I.L.O) را چگونه ارزیابی می‌کنید، این سیاست‌های رژیم چه تاثیری بر سازمانیابی کارگران خواهد داشت؟

صلاح مازوجی: همانطور که خودتان هم اطلاع دارید تماس‌ها و همکاری رژیم اسلامی ایران با سازمان جهانی کار به سالهای اخیر محدود نمی‌شود، اگر چه فعالیت‌های سازمان جهانی کار، بدنبال انقلاب

بهمن ۵۷ و تحریم ایران از سوی دولت‌های غربی برای مدتی عملاً مختل و دفتر آن در تهران تعطیل شد، اما بعد از مدتی روابط این سازمان با رژیم ایران از سر گرفته شد و پا به پای سیاست دیپلوماسی انتقادی دولت‌های غربی با رژیم ایران روابط و همکاری‌های I.L.O هم با رژیم جمهوری اسلامی گسترش یافت. در تمام طول این سالها این نهاد تلاش کرده است تا اصلاحاتی را در زمینه ایمنی و بهداشت محیط کار، مدرن‌سازی نظام اطلاع‌رسانی بازار کار و آنچه را خود اشتغال‌زا نبودن قانون کار جمهوری اسلامی می‌نامند بوجود آورند و از این طریق مناسبات کار و سرمایه در ایران را تا حدی قابل قبول به استانداردهای مورد نظر سرمایه جهانی نزدیک کنند.

دو سال پیش سازمان بین‌المللی کار با اعزام هیئتی به ایران رسماً از وضعیت تشکلهای کارگری انتقاد کرد و با اشاره به نقش کلیدی‌ای که به شوراهای اسلامی کار داده شده است، اعلام کرد که در ایران آزادی تشکلهای کارگری وجود ندارد و شوراهای اسلامی کار را نمی‌توان انجمن‌های واقعی کارگران دانست.

انتقادات سازمان جهانی کار زمانی از جمهوری اسلامی شدت می‌گیرد که رژیم جمهوری اسلامی نیز از یک طرف برای عضویت در سازمان تجارت جهانی و ادغام هر چه بیشتر اقتصاد ایران در بازار سرمایه جهانی به تایید سازمان جهانی کار نیاز پیدا می‌کند و از طرف دیگر در شرایطی که بحران و ورشکستگی شوراهای اسلامی بر همگان عیان شده است و حتی صاحبان صنایع و کارفرمایان هم آنان را بعنوان تشکلی که ظرفیت کنترل اعتراضات کارگری را داشته باشند برسمیت نمی‌شناسند. تلاشهای رژیم برای پذیرش برخی شرایط سازمان جهانی کار بیشتر از هر زمانی موضوعیت پیدا کرده است. اما این تلاشهای رژیم جمهوری اسلامی و سازمان جهانی کار ربطی به خواست کارگران ایران مبنی بر آزادی برپایی تشکلهای طبقاتی مستقل از دولت ندارد. اکنون همه نشانه‌ها حاکی از آن است که جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران در جهت انطباق هر چه بیشتر با برنامه‌های استراتژیک اقتصادی‌ای که در پیش گرفته‌اند، و به منظور رفع موانع در جهت ادغام هر چه بیشتر در بازار جهانی سرمایه مذاکرات و همکاری‌های خود را با سازمان جهانی کار ادامه می‌دهد. در شرایطی که اضافه بر خنثی کردن مخالفت‌های امریکا با ورود ایران به سازمان تجارت جهانی، پذیرش برخی از مقوله‌نامه‌های سازمان جهانی کار نیز برای ورود به سازمان تجارت جهانی ضرورت پیدا کرده است، رژیم ایران در واقع می‌خواهد با یک تیر دو نشان را بزند، یعنی با پذیرش برخی شرایط سازمان جهانی کار از یک طرف راه را برای

ورود به سازمان تجارت جهانی هموار کند و از طرف دیگر تشکل‌هایی را ایجاد کنند که ظرفیت و توانایی مهار و به کنترل در آوردن اعتراضات و مبارزات کارگری را داشته باشند، تشکل‌هایی که در چهارچوبی که رژیم و بورژوازی ایران تعیین می‌کنند به مانور پردازند و در نشست‌های سه‌جانبه با کارفرمایان و نمایندگان دولت، در همکاری و سازش با آنها خواست‌های کارگران را "پیگیری" نمایند. تشکیل برخی از انجمن‌های صنفی و سندیکاها را که زیر نظر خانه کارگر رژیم ساخته شده‌اند و معرفی آنها به سازمان جهانی کار به عنوان تشکل کارگری را در چهار چوب همین تلاشها باید ارزیابی کرد.

گرایشات مختلف بورژوازی هم با همان اهدافی که به آن اشاره شد در تلاشند تا تحت عنوان تشکل مستقل کارگری، تشکل مورد نظر خودشان را که در سازش و همکاری با طبقه سرمایه‌دار و کارفرمایان مطالبات کارگران را دنبال کند تشکیل بدهند، یعنی فعالیت‌هایشان در این زمینه با تلاش‌های خانه کارگر رژیم انطباق دارد.

جهان امروز: با این توضیحاتی که در مورد سیاست‌های رژیم دادید، وضعیت مبارزات و سازمانیابی طبقه کارگر را در شرایط کنونی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

صلاح مازوجی: طبیعی است با این وضع دشوار زندگی و فلاکت اقتصادی‌ای که به کارگران ایران تحمیل شده است و در شرایطی که بیکاری میلیونی و تیغ اخراج هرگونه امنیت شغلی را از آنان سلب کرده است، طبقه کارگر ایران در شرایط بسیار سختی اعتراضات و مبارزات خود را پیش می‌برد. سرمایه‌داری ایران بار سنگین برنامه‌های توسعه خود را بر دوش کارگران انداخته است، کارگران ایران نه تنها مجبورند که برای تامین حداقل معاش خویش مبارزه کنند، بلکه برای از دست ندادن کار و شغل‌شان یعنی تنها وسیله تامین معاش خود و خانواده‌شان هم باید مبارزه کنند. وقتی می‌بینیم صدها هزار کارگر ایران مجبورند برای دریافت دستمزدهای معوقه‌شان مبارزه کنند، وقتی هر روز به بهانه نوسازی، یا عدم سودآوری، فلان بخش صنعتی را تعطیل و کارگران را بدون تامین اجتماعی از کار بیکار می‌کنند، وقتی هر روزه بخشی از کارگران را از شمول قانون کار خارج می‌کنند و یا همین قانون کار را در جهت تامین بیشتر حرص و آز سرمایه اصلاح می‌کنند، چه چیزی بهتر از این شرایط

دشوار زندگی و مبارزات کارگران را به تصویر می کشد.

سرمایه داران با پشتیبانی رژیم اسلامی توانسته اند مطالبات کارگران را در تمام زمینه ها به عقب برانند. اما اگر رژیم و بورژوازی ایران توانسته اند با تحمیل این شرایط دهشتناک مطالبات کارگران را به عقب برانند، با اینهمه اعتراض و مبارزات کارگران سیر رو به رشدی داشته است و در چند ساله اخیر صحنه سیاسی ایران آکنده از مبارزات پرشور کارگران برای دستیابی به مطالباتشان بوده است. کارگران ایران در مقابل این یورش های سبعانه سرمایه داران ایران به دفاع از کار و زندگی خود پرداخته اند و در چند سال گذشته طبقه کارگر هزاران اعتصاب کوچک و بزرگ، راهپیمایی و تجمع اعتراضی را تجربه کرده است و گاهی برای عقب نشاندن تعرض رژیم و سرمایه داران متهورانه تا پای جان از خود استقامت نشان داده اند. مقاومت و مبارزه شجاعانه کارگران ذوب مس خاتون آباد کرمان و استقامت و پایداری کارگران دستگیر شده اول ماه مه شهر سقز نمونه هایی از جانفشانی کارگران در مبارزه برای احقاق حقوقشان بوده است.

دولت و سرمایه داران ایران تنها با بهره گرفتن از عدم سازمانیابی و فقدان تشکل های توده ای و سراسری کارگران قادر شده اند که وضعیت فلاکتبار کنونی را به کارگران تحمیل کنند و اگر پیشروان و فعالین جنبش کارگری ایران به این نیاز طبقاتی و مبارزاتی پاسخ درخور خود را ندهند، سالهای بمراتب دشوارتری در پیش رو خواهند داشت. امروز وظیفه ایجاد و برپایی تشکلهای طبقاتی، توده ای و مستقل از دولت کارگران که متکی به مبارزه کارگران برای مقابله و به شکست کشاندن سیاست های طبقه سرمایه دار ایران باشد، بعنوان یک ضرورت در مقابل همه فعالین و پیشروان جنبش کارگری ایران قرار گرفته است.

اما در رابطه با موقعیت سازمانیابی کارگران که در سئوالتان به آن اشاره کردید، روشن است که وقتی از وقوع هزاران اعتصاب و اعتراض کارگری در همین سالهای اخیر صحبت به میان می آید و وقتی که هر روزه شاهد اعتصابات و مبارزات کارگران برای دستیابی به مطالباتشان هستیم، این مبارزات بدون درجه ای از سازمانیابی و پیوند فعالین و پیشروان کارگری با یکدیگر و دخالت دادن توده کارگران امکان پذیر نیست. اما مسئله این است که این سازمانیابی ها خصلت گذرا و موقتی دارد و این درجه از سازمانیابی و ایجاد همبستگی برای پیشبرد یک آکسیون و یا عمل مبارزاتی مشخص همانطور که تجربه تاکنونی هم نشان داده است، پاسخگوی موقعیت کنونی جنبش کارگری نیست و با این سطح از

سازمانیابی نمی‌توان جلو تعرض سرمایه‌داران و دولت‌شان را گرفت و به شکست کشاند.

اما روشن است که در شرایط کنونی شکل‌های طبقاتی و توده‌ای کارگران را نمی‌توان با اراده هیچ حزب و سازمانی بوجود آورد، این تشکل‌ها در دل مبارزه روزمره کارگران علیه طبقه سرمایه‌دار و برای دستیابی به مطالباتشان شکل می‌گیرد، مبارزات تاکنونی طبقه کارگر ایران و بویژه رشد مبارزات آنان در چند ساله اخیر زمینه‌های مناسبی را برای ایجاد این تشکل‌ها فراهم آورده است. پیشروان و فعالین کارگری در دل این مبارزات سازماندهی و برپایی هزاران اعتراض و اعتصاب کارگری را تجربه کرده‌اند. این طیف از کارگران به تجربه دریافته‌اند که بدون سازماندهی و ایجاد تشکل‌های طبقاتی کارگران، پیشروی در مبارزه علیه هجوم سرمایه‌داران و رژیم‌شان ممکن نیست و تاکنون همت، تجربه و خودآگاهی همین پیشروان کارگری بوده است که نگذاشته است بورژوازی ایران تشکل‌های مورد نظر خودش را تشکیل و به طبقه کارگر ایران قالب کنند.

اما باید توجه داشته باشیم که در شرایط حفقان جمهوری اسلامی و در شرایطی که از آزادیهای دموکراتیک در جامعه خبری نیست، در واقع حضور هر چه وسیعتر کارگران در پروسه ایجاد این تشکل‌ها بخشی از روند دمکراتیزه کردن جامعه هم هست. حضور گسترده کارگران در پروسه ایجاد و حفظ این تشکل‌ها میتواند برپایی این تشکل‌ها را عملاً به رژیم جمهوری اسلامی تحمیل کند. نباید به امید بوجود آمدن شرایط دمکراتیک در ایران در حالت انتظار نشست و تلاش برای برپایی تشکل‌های توده‌ای و طبقاتی کارگران را به آینده‌ای نامعلوم محول کرد.

در وضعیت کنونی تنها آن تشکل‌هایی نه تنها امکان برپایی، بلکه امکان ادامه کاری و به عقب راندن تعرض بورژوازی و به شکست کشاندن سیاست‌های دولت و سرمایه‌داران ایران را دارند که بتوانند حضور هر چه گسترده‌تری از کارگران را در این کارزار طبقاتی تامین کنند و برای تحقق خواست‌ها و مطالبات کارگران به مبارزه کارگران و دخالت مستقیم آنان در تصمیم‌گیری‌ها متکی باشند.

اگر رژیم جمهوری اسلامی و لیبرالیسم بورژوازی ایران با اتکا به رفرمیسم درون جنبش کارگری که تا دیروز شرکت در شوراهای اسلامی را موعظه می‌کردند، در تلاش است تا تشکل‌هایی با ساختار بوروکراتیک که در سازش با سرمایه‌داران خواست‌های کارگران را تعقیب کند بوجود آورند، پیشروان رادیکال و سوسیالیست‌های درون جنبش کارگری ایجاد تشکل‌هایی را در دستور کار خود قرار داده‌اند که بتواند دخالت مستقیم و گسترده کارگران را در تصمیم‌گیری‌ها تامین کند و برای تحمیل مطالبات

کارگران به سرمایه‌داران و دولت به مبارزه خود کارگران متکی باشد. ایجاد و برپایی شوراها و اتحادیه‌های کارگری و متکی کردن این تشکل‌ها به مجامع عمومی و دخالت مستقیم کارگران می‌تواند ظرف‌های مناسبی برای سازمانیابی کارگران باشند. فعالین سوسیالیست درون جنبش کارگری که تصویر روشنی از ماهیت سیاست‌ها، اهداف و استراتژی بورژوازی ایران دارند، می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد این تشکل‌ها داشته باشند.

جهان امروز: در این قطعنامه، به درستی به مهم‌ترین و گرهی‌ترین امر طبقه کارگر در این دوره، یعنی به امر تشکل‌یابی کارگران تاکید گردیده است. با توجه به گرایش‌های مختلفی که در درون طبقه کارگر وجود دارد و هر کدام از این گرایش‌ها چشم انداز و افق متفاوتی را دنبال می‌کنند، در این میان کارگران پیشرو، رادیکال و کمونیست، چه نوع سازمان‌یابی را باید در اولویت تلاش‌های خود قرار دهند که نه تنها از طریق این تشکل، مطالبات صنفی و اقتصادی طبقاتی کل طبقه را دنبال کند، در عین حال به مسایل سیاسی و اجتماعی نیز در حد توان و موقعیت و ظرفیت خود پردازد تا طبقه آماده سازد؟

صلاح مازوجی: با این خصلت و انتظاراتی که از تشکل توده‌ای کارگران در بالاتر اشاره شد یعنی تامین دخالت مستقیم کارگران در پروسه ایجاد این تشکل‌ها و دخالت دادن مستقیم آنها در تمام تصمیم‌گیری‌ها، فکر می‌کنم شوراها، کارگری مناسب‌ترین ظرف سازمانیابی کارگران هستند. چون شورای کارخانه، فابریک یا یک مرکز صنعتی چیزی جز جلسات منظم و سازمانیافته مجموعه کارگران آن واحد نیست که بنا به تعریف امکان شور و مشورت و دخالت مستقیم کارگران در پروسه ایجاد، تصمیم‌گیری‌ها و تقسیم کار آن را فراهم می‌آورد. هر کارگر کارخانه بطور اتوماتیک عضو شورای کارگران است و می‌تواند در صورت تمایل خود و جلب اعتماد اکثریت کارگران در کمیته‌ها یا نهادهای اجرایی شورا عضویت داشته باشد. جدا از اینها در ایران جدال و مبارزه کارگران با صاحبان صنایع و کارفرمایان چنان با مبارزه علیه سیاست‌های رژیم در هم تنیده شده‌اند که بدون پیشبرد همزمان مبارزه سیاسی و اقتصادی علیه کارفرمایان و دولت پیشروی در این مبارزه قابل تصور نیست. با توجه به این وضعیت کارگران به اشکال مختلفی از مبارزه و سازمانیابی روی می‌آورند، اما تصور اینکه کارگران

ایجاد دو نوع تشکل یکی برای پیشبرد مبارزات صنفی و دیگری برای مبارزه سیاسی را در دستور خود قرار دهند مشکل است. در این رابطه هم شوراها تاریخا نشان داده اند که ظرف مناسب تری برای پیشبرد هر دو عرصه مبارزه کارگران هستند.

در قطعنامه مصوب کنگره هشتم حزب، هم به شورا و هم به اتحادیه اشاره شده است. چون می دانیم تکامل مبارزه کارگران اشکال متنوعی از سازمانیابی را در دستور کار فعالین و پیشروان این جنبش قرار می دهد، فعالین کمونیست هر چند که تاریخا با ایده شورا و جنبش شورایی تداعی شده و می شوند اما هر جا که روند عینی اوضاع ایجاد اتحادیه و سندیکا را در دستور فعالین کارگری قرار داد، فعالین و پیشروان کمونیست بدون آنکه تردیدی بخود راه دهند باید فعال ایجاد اتحادیه و سندیکا هم باشند، تنها در این صورت است که در گامهای بعدی می توانند با رشد بوروکراتیسم در این تشکل ها مبارزه کنند و این اتحادیه ها را به مکانیسم هایی متکی کنند که دخالت مستقیم کارگران در تصمیم گیریها را تامین کند. نباید تشکیل اتحادیه و سندیکا را به فرمیستها واگذار کرد.

از اینها گذشته ما می دانیم که در ایران بخش وسیعی از کارگران در کارگاههای کوچک کار می کنند، برای این بخش از کارگران و برای کارگران بخش ساختمانی و یا کارگرانی که در آجرپزی ها به کار اشتغال دارند و کلا آن رشته هایی که بدلیل موقعیت اقتصادی شان تمرکز کارگران در یک محل و واحد تولیدی محدود است اتحادیه و سندیکا شکل مناسب تری برای سازمانیابی کارگران است و کارگران را در موقعیت قوی تری در مقابل سرمایه داران قرار می دهد و فعالین سوسیالیست در این رشته ها باید از فعالین ایجاد اتحادیه و سندیکا باشند.

از اینکه ما شوراها را آلترناتیو مناسب تری برای سازمانیابی توده ای کارگران می دانیم و فکر می کنیم که پیشروان و سوسیالیست های درون جنبش کارگری باید فعال و مروج جنبش شورایی باشند، و یا اینکه در سازمانیابی شورایی بدلیل وجود دمکراسی مستقیم سوسیالیست های کارگری از امکان بیشتری برای پیشبرد نظراتشان برخوردارند نباید دچار این تصور نادرست شویم که حتما اگر شوراها ایجاد شدند آنها بطور اتوماتیک با سوسیالیسم و افق سوسیالیستی تداعی می شوند. اگر تشکل های توده ای کارگران شکل بگیرند، تازه آنزمان است که مبارزه گرایشات درون جنبش طبقه کارگر هم تکامل پیدا می کند و خود این تشکل ها در همانحال که ظرف مبارزه کارگران برای رسیدن به خواست هایشان هستند، به ظرف پیشبرد مبارزه گرایشات درون جنبش طبقه کارگر هم تبدیل می شوند و گرایش سوسیالیستی تنها

در صورت نشان دادن حقانیت استراتژی، سیاست‌ها و تاکتیک‌هایش در میدان عمل و در ابعاد اجتماعی است که می‌تواند در میان کارگران هم توده‌گیر شود.

جهان امروز: حزب کمونیست ایران، برای پراتیک کردن این قطعنامه چه نقشه عمل و وظایفی را در قبال سازمانیابی جنبش کارگری ایران در دستور این دوره از فعالیت‌های خود قرار داده است؟ در رابطه با تحولات جنبش کارگری در ایران، نظیر واقعه‌ای که در شهر بابک با کشتار کارگران توسط نیروهای انتظامی روی داد و یا کارگرانی که در روز اول ماه قصد داشتند مراسم مستقل جهانی خود را در شهر سقز برگزار کنند، مورد یورش نیروی انتظامی قرار گرفتند و ۷ نفر از فعالین جنبش کارگری دستگیر و سپس در اثر مبارزه مردم سقز و شهرهای دیگر ایران، خانواده‌های دستگیرشدگان، مدافعین جنبش کارگری در خارج کشور و اتحادیه‌های آزاد بین‌المللی آزاد شدند، اما هنوز محاکمه‌شان تمام نشده است، کدام شکل از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را مناسب می‌دانید؟

صلاح مازوجی: سازمانیابی و ایجاد تشکل‌های توده‌ای و مستقل از دولت کارگران امر خود کارگران و فعالین و پیشروان کارگری و حاصل تکامل و پیشروی مبارزه آنان علیه سرمایه‌داران است، اما کاری که می‌تواند در این دوره به امر تشکلیابی کارگران یاری رساند افشای ماهیت تلاش‌های رژیم جمهوری اسلامی و لیبرالیسم بورژوازی ایران است برای ایجاد تشکل‌های مورد نظر خودشان، تا از این طریق بتوانند مبارزات کارگری را در چهارچوب قوانین ارتجاعی و ضدکارگری بورژوازی محصور دارند - پیش‌تر در همین رابطه به همکاری‌های جمهوری اسلامی با سازمان جهانی کار اشاره شد - اینها با اتکا به رفرمیست‌های درون جنبش کارگری می‌خواهند برخی از انجمن‌های صنفی و یا سندیکاها را که اساسنامه‌شان مورد تایید خانه کارگر رژیم است را به کارگران به عنوان تشکل کارگری قالب کنند و یا تشکل‌هایی را که ارگان سازش کارگران به کارفرما و دولت باشد را بوجود آورند.

و باز در همین رابطه لازم است که تصویر روشنی از استراتژی و سیاست‌های لیبرالیسم بورژوازی ایران و آلترناتیوی که برای بیرون آوردن سرمایه‌داری ایران از بحران کنونی ارائه می‌دهند و همچنین راهکارهایی که در همین رابطه پیش پای جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی قرار می‌دهند را

ارائه دهیم و افق سیاسی و اجتماعی روشنی، افق سوسیالیستی را در پیش پای فعالین و پیشروان کارگری بگذاریم. کاری که در بیانیه پایانی کنگره هشتم رئوس آن بیان شده است.

در رابطه با دفاع از مبارزات کارگری در داخل که بدان اشاره کردید به نظرم همکاری و همگامی وسیع فعالین و مدافعین جنبش کارگری در خارج کشور ضروری است. این نیروها و فعالین طیف نسبتاً وسیع و ناهمگونی را تشکیل می‌دهند، در اینجا صحبت از آن گرایشاتی که خود را با حزب توده و اکثریتی‌ها تداعی می‌کنند نیست، اینها مدت‌هاست که چهارچوب‌های تعیین شده از جانب رژیم و بورژوازی ایران را پذیرفته‌اند و مدافع منافع بورژوازی در درون جنبش کارگری هستند، و در گذشته هم موعظه‌گر همکاری و شرکت در شوراهای اسلامی بوده‌اند.

صحبت از آن طیف وسیعی است که خود را مدافع منافع کارگران در مقابل سرمایه‌داران و دولتشان می‌دانند و پراتیک فعالیت‌های تاکتونی‌شان هم علیرغم توهمات و ابهاماتی که در مقاطعی از خود نشان داده‌اند، همین را نشان داده است، در این رابطه، هم باید وجود نیروهای سیاسی را به رسمیت شناخت و هم وجود طیف وسیعی از فعالین منفرد و جمع‌ها و مجافلی که امر خود را خدمت به جنبش کارگری قرار داده‌اند. این را هم باید به رسمیت شناخت که این طیف همه مثل هم فکر نمی‌کنند و راه حل‌های واحدی را پیش پای فعالین جنبش کارگری برای غلبه بر معضلات سر راه این جنبش قرار نمی‌دهند، برای نمونه در جریان همین کمپین دفاع از دستگیر شدگان اول ماه مه شهر سقز در میان این طیف اختلاف وجود داشت، از همان اوایل بعضی از دوستان اصرار داشتند که بگویند این حرکت سیاسی نیست، بدون آنکه توجه کنند که در ایران منافع سرمایه‌داران و رژیم اسلامی چنان در هم تنیده شده است که هرگونه پافشاری کارگران بر ابتدایی‌ترین حقوق خودشان بلافاصله به یک مبارزه سیاسی تبدیل می‌شود. و یا در این اواخر بعضی از رفقا صمیمانه و بدون آنکه خودشان متوجه شده باشند که با این کار توهم به سیاست‌های رژیم و قوه قضائیه‌اش را دامن می‌زنند، از کومه‌له انتظار داشتند که طی اطلاعیه‌ای اعلام کند که کارگران دستگیر شده هیچ رابطه‌ای با کومه‌له ندارند. این در حالی بود که اتحادیه‌های کارگری در نامه‌شان به مقامات رژیم تاکید کرده بودند که این کارگران بخاطر تلاش برای برگزاری مراسم اول ماه مه دستگیر شده‌اند و همه این را می‌دانند.

با وجود این اختلافات نباید تردیدی به خود راه دهیم که باید با این طیف از رفقا همکاری کنیم و در مواردی که اختلاف پیش می‌آید صمیمانه اختلافاتمان را توضیح دهیم. تنها در جریان این

همکاری‌های عملی و بحث و دیالوگ صمیمانه حول مسائل و معضلات سر راه جنبش کارگری است که گرایش سوسیالیستی امکان می‌یابد حقانیت و درستی سیاستهای خودش را نشان دهد. تجربه کمپین دفاع از کارگران مس خاتون‌آباد و کمپین دفاع از دستگیر شدگان اول ماه مه شهر سقز نشان داد که این همکاری‌ها امکان‌پذیر و عملی است و ما می‌توانیم علیرغم وجود این اختلافات در یک جبهه وسیع کارگری در کنار هم قرار گیریم و همکاری‌های وسیعی را پیش ببریم، تلاش برای حضور در مجامع کارگری کشورهایی که رفقا در آنجا مقیم هستند، معرفی جنبش کارگری ایران به این مجامع و تلاش برای جلب حمایت و شرکت در آکسیون‌هایی که به حمایت از کارگران ایران شکل می‌گیرد، جلب حمایت اتحادیه‌های کارگری کاری که در این دوره انجام گرفت، برگزاری جلسات و سمینارهایی که به وظایف سیاسی و عملی ما در قبال تحولات جنبش کارگری در داخل می‌پردازد و... می‌تواند بخشی از فعالیت‌های ما در خارج کشور باشد. البته این فعالیت‌ها نباید یکجانبه باشد، نیروهای این حرکت باید هر جا که امکان یافتند در اعتراضات و مبارزات کارگران کشورهای محل اقامت خود شرکت کنند و خود را جزوی از نیروی مبارزات آنها بدانند و از این راه به همبستگی بین‌المللی کارگران کمک رسانند

و باز در جهت حمایت و پشتیبانی از مبارزات کارگری در داخل، تلاش برای تشکیل یک صندوق همیاری کارگری در خارج کشور می‌تواند بسیار مفید باشد، تا در مواردی که وقایعی مشابه جانباختن کارگران مس خاتون‌آباد پیش می‌آید این صندوق بتواند به خانواده جانباختگان و همچنین خانواده کارگران زندانی یاری برساند.